

منصور پورنوری، رئیس شعبه سوم دادگاه عمومی مجتمع امام خمینی

تجربه عنصر مهم و اولیه انتخاب قاضی و کارمند برای دادگاه

تحصیلات دانشگاهی را در مقطع لیسانس در دانشکده حقوق دانشگاه تهران گزیناندم سپس ادامه تحصیلات عالی را در مقاطع فوق لیسانس در رشته حقوق بین الملل و در دکتری در رشته حقوق بین الملل دریائی در دانشگاه های انگلستان انجام دادم و در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ درجه دکتری حقوق بین الملل دریائی از انگلستان شدم.

از سال ۱۳۵۸ با سمت دادیار دادرسی عمومی وارد دادگستری و کار قضائی شدم در سمتهای دادرسی دادگاههای عمومی حقوقی بروجرد و تهران و دادیار دادرسی انتظامی قضات و رئیس شعبه ۲۳ دادگاه حقوقی یک تهران مشغول بودم از سال ۱۳۷۴ تاکنون در سمت رئیس شعبه سوم دادگاه عمومی تهران اشتغال دارم.

از سال ۱۳۷۱ عضو هیات علمی نیمه وقت دانشگاه هستم که در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس می نمایم. از سال ۱۳۷۴ دعوی تخصصی را در شعبه سوم دادگاه عمومی تهران رسیدگی می کنم این دعوی عمده دعوی بین المللی مانند دعوی مربوط به حقوق دریائی دعوی مربوطه به علائم تجارتي و اختراعات، دعوی علیه دولت های بیگانه و همچنین بعضی از جرائم بین المللی مانند جعل علائم تجارتي و یا آدم ربائی و کلاهبرداری و نیز جرائم اینترنتی و کامپیوتری.

تحوالات قوه قضائیه را چگونه ارزیابی می کنید؟
هر تحولی که در نظام قضائی کشور رخ دهد باید در راستای رسالت قوه قضائیه یعنی در جهت تأمین امنیت قضائی و تضمین اجرای قانون و اجرای عدالت باشد یک نظام منحول قضائی نظامی متکی بر سه رکن اساسی است اول قانون منطبق با واقعیات و مقتضیات جامعه که با روابط اجتماعی مردم جامعه همخوانی و هماهنگی داشته باشد و رابطه بدیعی را که با روابط افراد جامعه ناهمگون بوده و موجب تنش در روابط اشخاص می شود به مردم تحمیل نکنند. دوم تشکیلات سازگار با خواسته های مردم که اجرای قانون و احقاق حق را تسهیل کند و تا حد امکان بوروکراسی قضائی را کاهش دهد سوم وجود اهراز انسانی کارآمد یعنی قضات کیفی و قدرتمند و کارکنان اداری متخصص و صندق.

بنده چهار نظام قضائی کشور را تجربه کردم تا

سال ۱۳۶۰ نظام قضائی بر اساس دادرسی عمومی و انقلاب، دادگاه بخش مستقل، دادگاه شهرستان و دادگاه استان بود از آن سال به تدریج در اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی منصوب سال ۱۳۵۸ دادگاهها به تدریج جای خود را به دادگاه عمومی حقوقی و عمومی کیفری دادند و در آن برهه از زمان قوانین منصوب قبل از انقلاب به شدت در حال تغییر و تحول و تطبیق با قانون اسلامی بود و تشکیلات قضائی هم در جهت تخصصی شدن رسیدگی ها گام برمی داشت به طوری که دادگاه حقوقی ۲، دادگاه حقوقی ۱، دادگاه کیفری ۲، دادگاه کیفری ۱، و دادگاه مدنی خاص تشکیل شد. آن تحولات صرف نظر از کاستی که داشت در مجموع با واقعیات زمان خود منطبق بود قضات مجرب و متخصص در جایگاه خود قرار داشتند و قضات تازه کار هم بر مبنای آن تشکیلات تربیت می شدند.

با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ یکباره و در ظرف چندماه همه آن تحولات دگرگون و متوقف شد و ضربه مهلکی هم بر پیکره قوه قضائیه وارد گردید که تا امروز که حدود ۸ سال از اجرای آن قانون می گذرد آثار آن ضربه باقی است.

اثر این دگرگونی محکوس محروم کردن دستگاه قضائی از وجود قضات مجرب، متخصص و دانشمند بود به حدی که در همان سر سال اول اجرای قانون، نود درصد قضات مجرب بازنشست، استعفا و باخرید شدند حجم زیادی از پرونده ها در دادگاههای عمومی متراکم شدند که هنوز آثار آن به جای مانده است. با اجرای آن قانون نظام قضائی کشور در مقایسه با نظام پیشین از لحاظ نیرو انسانی قضائی و سنوات قضائی در دیوانهای کشور، دادرسی انتظامی قضات، دادگاه تجدیدنظر و دادگاههای عمومی بسیار جوان شد که این جوانی عوارض خوشایندی را ندارد. اکنون در آستانه چرخشی به گذشته هستیم تا تحولات قبل از سال ۱۳۷۳ را دنبال کنیم که با اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ابزار قانونی این تحول مهیا شده است.

نحوه اجرای قانون جدید را چگونه پیشنهاد می کنید؟
اجرای قانون جدید به تدبیر و تجربه نیاز دارد شتاب در اجرای آن نتیجه معکوسی به دنبال دارد قضات باید با در نظر گرفتن تجربه، مهارت و تخصص در جایگاه خود قرار گیرند کارمندان اداری هم پایه پای آنها باید با توجه به تجربه موقعیت اداری را اشغال نمایند تجربه در دنیا در تمام کارها حرف اول را می زند باید عنصر مهم و اولیه انتخاب قاضی و کارمند برای دادگاهها و دادرها باشد.

در شهرهای بزرگ در هر منطقه برای سهولت دسترسی مردم به دادگستری باید دادرها، دادگاه

خانواده، دادگاه حقوقی، دادگاه کیفری و دادگاه تجدیدنظر در یک مجموعه تشکیل شوند متمرکز کردن تشکیلات و دادگاهها در چند منطقه محدود موجب کثرت تردد و ناراضیتهای مراجعین خواهد بود در اتخاذ تصمیمات برای اجرای قانون از وجود قضات و کارمندان با تجربه استفاده شود. مسئله قضات، از عالیترین مقامات کشور هستند کارمندان دادگستری از پرکارترین و زحماتکش ترین کارمندان دولت هستند که حقوق و مزایای آنها در مقایسه با وظیفه ای که انجام می دهند بسیار ناگافی است هر کدام از اینها از پتانسیل شغلی بالای برخوردار هستند که حتماً به وضعیت معیشتی آنها باید رسیدگی شود در غیر این صورت اجرای قانون جدید که احتمالاً در مراحل ابتدائی با مشکلاتی مواجه خواهد بود موجب می شود تا تجربه گریز از قوه قضائیه مجدداً مانند سال ۷۳ تا ۷۶ تکرار گردد. که اگر رخ دهد جبران آن تقریباً در بیست سال آینده غیرممکن خواهد شد.

با توجه به اینکه حدود سه ماه از تصویب قانون جدید می گذرد و در این مدت هیات اجرایی این قانون در حال مطالعه برای اجرای آن است بنده به نوبه خودم و همکاران قضائی و اداری بسیار خوش بین هستیم که قانون با تأمل و تدبیری بیشتری و به تدریج اجرا شود تا مجدداً جرح متوقف شده تحول قضائی به کار نیفتد و قضات و کارمندان قوه قضائیه در قضائی منطقی به اجرای عدالت بپردازند و مجریان این قانون متوجه باشند که این تحول به نام آنها در تاریخ ثبت خواهد شد.

تعیین حیاتی رئیس شعبه ۳۵ مجتمع امام خمینی (۹)

تجدید نظر در افتتاح حساب بانکی

شروع به کار قضائیه از سال ۱۳۶۸ و در پست های دادیار دادرسی عمومی اسلام آباد عرب، دادرسی دادگاه حقوقی یک مستقل کنگاور، دادرسی دادگاه حقوقی یک اسلام آباد عرب، رئیس شعبه هفتم دادگاه عمومی کرمانشاه، رئیس شعبه چهارم دادگاه عمومی آمل، معاونت قضائی دادگستری بابل، رئیس شعبه ۳۵ دادگاه عمومی تهران فعالیت داشته است.

تحصیلات: لیسانس حقوق قضائی در دادگاه شهید بهشتی گنارنده است.

شروع به کار شعبه ۳۵ از مهر ماه ۱۳۷۹ می باشند. این شعبه از همان ابتدا با ارباب

پرونده های مربوط به چک کم کم به شعبه ویژه چک تبدیل گردید و هم اینک نیز تمامی دعاوی مربوط به چک را رسیدگی نماید.

■ میانگین پرونده های وارده این شعبه چه تعداد است؟

با توجه به موقعیت مکانی مجتمع و نیز استقرار شعبه که در مرکز نقل بازار تهران واقع شده به لحاظ دامنه فعالیت محل و کثرت استفاده از این سند تجاری مسائل مربوط به یک یک منجر به طرح شکایت می گردد از حجم بالای برخوردار است به گونه ای که به طور میانگین در روز بین ۳۰ الی ۳۵ فقره در ماه نیز ۹۰۰ الی هزار فقره پرونده به این شعبه ارجاع می گردد برای مثال به حکایت دفاتر ثبت و ضبط هم اکنون که در آخرین روزهای سال جاری می باشیم قریب ده هزار و پانصد پرونده از ابتدای سال تا کنون ارجاع و مورد رسیدگی قرار گرفته است با انصاف پذیرفت رسیدگی به این تعداد پرونده قطعاً طاقت فرسا خواهد بود - لکن به فضل خداوند با تلاش شبانه روزی اذهان می کنیم به تعداد پرونده های وارده پرونده مختومه نیز داشته ایم و مانع از اثبات آنها شده ایم.

■ در رسیدگی به پرونده های چک با چه مشکلاتی مواجه هستیم؟

قبل از آنکه به طور صریح و گویا به سوال دهیم احصای می کنم به تاریخچه ای از چک اشاره داشته باشم تا بهتر بتوان گفت اصولاً چک چیست؟ چه نقشی دارد علت این همه پرونده مطروحه در دادگستری در رابطه با مسئله چک و اینکه اکنون بیشترین آمار زندانیان را به خود اختصاص داده است و به عنوان یک معضل اجتماعی در دینگاه کلان جامعه مطرح است چه می باشد.

در کتاب اساتید علم حقوق از تاریخچه چک به صدها سال قبل یاد می شود به گونه ای که شاعر حماسه ای ایرانی حکم ابوالقاسم فردوسی در کتاب مشهور معروف شاهنامه عیناً در اشعاری از عبارت چک استفاده کرده است که جهت خرید اطلاع آورده می شود.

از هنیال تا پیش رود ترک به بهرام بخشید و بنوشت چک به قیصر می سپارم همه یک به یک از این پس نوشته فرستیم و چک

هر چند واژه چک در دوران گذشته به مصداق امروزی آن نبوده لکن سندی تلقی شده که مورد شده که مورد استفاده واقع گردیده است و به مرور زمان به لحاظ پیشرفت علم بشری و گسترش فعالیت های اقتصادی و تشکیل بانک ها به شکل امروزه درآمده است و لذا چک یک نیاز اجتماعی وسیله ای جهت پرداخت و جانشین پول است و تعریف قانونی چک در ماده ۳۱۰ قانون تجارت و آنچه مدنظر قانونگذار می باشد چیزی غیر از این نیست لکن به لحاظ آموزه ای غلط مردم و استعمال آن در غیر موردی که

قانونگذار پیش بینی کرده است به شکلی که امروزه گریبانگیر جامعه است و عواقب ناشی از این استعمال سبب گردیده که این سند تجاری بیشترین پرونده های و بیشترین زندانیان را در دادگستری به خود اختصاص دهد.

آگاهی از این وضعیت است که مسئولین را هر چند گاه یکبار به فکر چاره اندیشی می اندازد که با توجه به تجارت کاری اینجانب باید یافته های علمی و واقعیت های مشهور را در هم آمیخت و از نو چاره ای اندیشه کرد. در غیر این صورت آنگونه که پیشینه قانونگذاری در خصوص چک نشان می دهد نتوانسته این مشکل را حل نماید قانون چک مصوب سال ۱۳۵۵ و اصلاح است در سال ۱۳۷۲ که صدور چک را به هر شکلی از اشکال ویژه شناخته است، مفید و کار ساز نبوده و لذا معتقدم راهکارهایی به شرح ذیل شاید به چاره اندیشان قضیه در حل آن مؤثر افتد.

۱- تجدیدنظر مجدد در نحوه افتتاح حساب بانکی و واگذاری دسته چک به اشخاص که لیاقت مالی و تمکن آن را دارند و ضابطه مند نمودن آن به گونه ای که دست غالب افرادی که استحقاق بهره منده شدن را ندارند قطع شود و افراد از این طریق به سهولت نتوانند به دسته چک دستیابی پیدا کنند.

۲- اخذ تأمین و تضمین از صاحبان حساب جهت پرداخت چک ها و جلوگیری از برگشت آنها و در صورت برگشت تأمین چک از محل آن نظر تحت پوشش قرار دادن حساب اشخاص در پوشش بگیرد یا اخذ تأمین توسط بانکها

۳- وضع مقررات خاص جهت بانکها صرف شناسایی مسدودی افتتاح حساب بانکی و گردشکار موضوع و ایجاد مسوولیت قانونی جهت مسوولین بانک از این حیث که کمترین تخلفی صورت نگیرد.

۴- آموزش همگانی و بالاترین سطح فرهنگ عمومی در خصوص جایگاه واقعی چک و چگونگی استفاده از آن.

۵- دسته بندی چک های به اعتبار موقعیت مالی اشخاص به شکلی که افراد نتوانند به هر تعداد مبلغی چک صادر نمایند.

و لذا ایجاد دادرسی برای همیشه یکبار این معضل حل و جامعه از این حیث به آرامش برگردد.

■ به نظر جناب عالی حذف جنبه کیفری چک مفید است؟

همانطور که در پاسخ به سؤالات قبل بیان گردید چنانچه چک به جایگاه واقعی خود برگردد و محدود شده استفاده از این در مدارای فرار گیرد که نقش خود را ایفا نماید احتمالاً بزودی تحت عنوان چک بلا محل نخواهیم داشت.

مع الوصف شایسته است تا جهت حفظ اعتبار و پایگاه آن در صورتی که چک رسید اعتبار بزه دیگر

نظیر کلاهبرداری و غیره گردد مجازات قانونی و تبصره برای آن پیش بینی نمود لکن به شکل کنونی و برداشتن و حذف تبصره بعضی چک ها مثلاً حذف ماده ۱۳ قانون اصلاحی چک نیز کمترین کمکی به حل مشکل نخواهد کرد. زیرا آزموده را آزمودن عین خطاست.

■ پروان احیاء دادرسی نظر خود را بیان فرمائید؟
در خصوص احیاء دادرسی این مقدمه را باید داشته باشیم به عنوان یک ضرورت اجتماعی و یک نهاد حافظ حقوق عامه در نظام قضایی اگر کشورهای جهان پذیرفته شده است بنا براین متعاقب از دو جهت احیاء آن حاضر اهمیت است.

۱- جلوگیری از تداخل وظایف قضایی و حفظ همان اصل بی طرفی که خمیر مایه و شأن زیبایی قضاوت می باشد.

۲- ایفاء نقش وظایف قضایی در جایگاه خاص خویش در فرآیند دادرسی و در یک عبارت حفظ خدمت و ارزش مشاغل قضایی و در واقع احیاء دادرسی بشر مناسب جهت بازگشت این موقعیت است قضات دادرسی به عنوان قضات امتیازی در جایگاه خویش به دفاع از حقوق عامه می پردازند و قضات محاکم (قضات نشسته) نیز با بی طرفی و فراغت کاری به قضات می پردازد این دو موقعیت ممتاز در تکوین دادرسی سبب توسعه و پیشرفت خواهد بود و لا غیر.

و اکنون که قانون احیاء دادرسی موقعیت اعمال حاصل نموده کلیه قضات آن را فرضی نیک می دانند تا ضمن تغییر در ساختار تشکیلات بشری مناسب جهت توسعه قضایی از حیث کمی و کیفی آنگونه که در مورد نظر ریاست محترم قوه قضاییه می باشد گردد باشد که انشأالله در آینده مشاهده شکوفایی موقعیت این نهاد مقدس در عرصه تشکیلات دادگستری به بهترین وجه باشیم.

■ تمهیداتی را برای بهبود ساختار قضایی باید در نظر گرفت؟

بهبود ساختار قضایی لزوماً از ارکان توسعه قضایی نیز محسوب می گردد لازم است در این راستا:

۱- شأن قضا به زیباترین وجهی که در شرع امور اسلام از آن یاد شده احیاء کنیم با تفکری بلند و اندیشه ای قوی به حفظ این جایگاه بپردازیم و هزینه ای اجرایی آن را از نظر و به هر شکل ممکن فراهم کنیم.

۲- بالا بردن سطح علمی قضات و استفاده از امکانات پیشرفته و نو.

۳- تأمین معیشت مناسب جهت قضات و مجموعه دادگستری به گونه ای که هیچ دغدغه ای فکر آنان را به خود مشغول نسازد و به هر شکل این اندیشه باید جا افتد که قضاوت فقط قضاوت است و لا غیر.